

# چالش‌های بی‌پایان زندگی زنان سرپرست خانوار

گزارش	اکرم خاکپور
<span></span>	روزنامه نگار

زن سرپرست خانوار بودن کار ساده‌ای نیست. احتمالاً زنان بسیاری را می‌شناسید که سال‌هاست خانواده‌ای را اداره و به تنهایی صفر تا صد زندگی خود و فرزندان‌شان را مدیریت می‌کنند. این زنان از یک‌سو باید وظایف مادری را انجام دهند و از سوی دیگر، فرزندان خود را که در این راه با مشقت‌های فراوان روبه‌رو شده و دردهای بی‌شماری را متحمل می‌شوند، در شرایط مختلف مالی حمایت کنند و زیر بال و پر خود بگیرند تا کمبودی احساس نکنند. در این شماره با دو تن از زنان سرپرست خانوار به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

#### طلب روزی حلال

سمیه در ظاهر ۵۰ ساله به نظر می‌رسد، در حالی که ۴۰ سال بیشتر ندارد. یک پسر ۱۱ ساله و دختران دوقلوی پنج‌ساله دارد. اصالتاً نیشابوری است. کم سن و سال بود که ازدواج کرد و به تهران آمد. در یکی از محلات حاشیه شهر در زیرزمین یک ساختمان قدیمی سکونت دارد و ماهانه شش میلیون کرایه خانه می‌دهد. دستانش دیگر لطافت یک دست زنانه را ندارد، آن قدر زبر و سفت و پینه بسته شده که بیشتر شبیه دستان یک کارگر زحمت‌کش است تا دستان نرم و لطیف یک زن. او با چشمانی کم‌فروغ و چهره‌ای نه‌چندان شاد به روایت زندگی‌اش می‌پردازد و از پستی و بلندی‌هایش می‌گوید: «چهار سال پیش همسرم را بر اثر بیماری از دست دادم. او که از بار‌برهای بازار تهران بود با یک چرخ‌دستی کار می‌کرد. دستم‌زدش کم بود و کفاف حداقل زندگی را نمی‌داد اما همین که سایه‌اش بالای سر من و بچه‌ها بود راضی بودم. اجاره‌خانه‌ا که به صاحب‌خانه می‌دادیم مبلغ ناچیزی از درآمدش برایشان باقی می‌ماند. بیماری ریوی داشت و در اواخر عمر سرفه امانش را بریده بود. وقتی به رحمت خدا رفت با سه بچه قد و نیم‌قد باید به تنهایی، بار زندگی را به دوش می‌کشیدم. پس از فوت همسرم، چندماه‌ای که نتوانستم کرایه‌خانه را پرداخت کنم صاحب‌خانه از پول رهن کم کرد. از آنجایی که سواد چندانی نداشت‌م و هیچ کاری بلد نبودم تصمیم گرفتم در خانه‌های مردم کار نظافت انجام دهم و تمام توانم را به کار گیرم تا فرزندانم در زندگی سختی کمتری احساس کنند.»

او در حالی که دستانش را در هم گره کرده ادامه می‌دهد: «در یک شرکت خدماتی مشغول به کار هستم. حقوق ثابتی ندارم و تحت پوشش هیچ بیمه‌ای نیستم. با داشتن سه فرزند امکان کار تمام‌وقت را ندارم و دستم‌زد به صورت ساعتی محاسبه و پرداخت می‌شود که شرکت هم درصدی از این مبلغ را دریافت می‌کند. به‌طور متوسط حداقل روزانه هشت ساعت کار نظافت انجام می‌دهم که البته به متراژ خانه هم بستگی دارد. به قدری در این سال‌ها کار کردم که کمرم آسیب‌دیده و عضلات دستم دچار گرفتگی شده است. دردهای ناشی از ایستادن‌های طولانی مدت جهت رفت‌و‌روپ، ساییدن و تمیز کردن سطوح و شیشه‌ها در همان سال‌های اول کار به سراغم آمد و با آنکه نیاز به فیزیوتراپی و درمان دارم کچ دارم و مریز به کارم ادامه می‌دهم.»

سمیه در جدال نابرابر زندگی و زن سرپرست خانوار بودن، فراز و فرودهای بسیاری را تحمل کرده و با وجود تمامی مشکلات، به کارش ادامه داده است. دستان پینه‌بسته‌اش، فریاد درد می‌کشد فشارهای عصبی رمق کار کردن را از او گرفته و انگار دیگر نایی ندارد. با دردهای گاه و بی‌گاه و فکر و خیال شبانه‌روز به خانه‌های مردم که می‌رود هنوز می‌خندد. به گمان دیگران خوشبخت‌ترین آدم روی زمین است؛ کسی چه می‌داند داستان پشت خنده‌هایش را...

این زن سخت‌کوش به‌رغم داشتن تجربه مشتریان خوب به بیان یکی از خطرات تلخش می‌پردازد و در حالی که سری تکان می‌دهد با نگاهی غم‌بار بیان می‌کند: «بعضی از خانم‌هایی که برای نظافت به منزلشان می‌روم رفتارهای تحقیرآمیزی می‌کنند و به‌عنوان یک انسان هیچ ارزشی برایم قائل نیستند.» او با حالت بغض کرده ادامه می‌دهد: «واقعاً نمی‌دانم گناه من چیست. اگر ناچار نبودم در خانه‌های مردم کار نمی‌کردم. تمام امیدم در زندگی فرزندانم هستند. دلم می‌خواهد بتوانم زندگی خوبی برایشان فراهم کنم، همه تلاشم را می‌کنم اما همیشه هشت‌مان‌گرو نه‌مان است. من برایشان هم پدر بودم هم مادر بایستی همیشه کار می‌کردم تا چرخ زندگی بچرخد. با این حال آن‌ها در زندگی حسرت خیلی چیزها را خوردند.»

این فکرها دیوانه‌وار به روح و ذهنش چنگ می‌زند. در حالی که اشک‌هایش را پاک می‌کند می‌گوید: «برای تأمین هزینه‌های یک زندگی آرام و آبرومند برای خود و فرزندانم و به‌دست آوردن روزی حلال تلاش بسیاری کردم. دلم به حال فرزندانم می‌سوزد، آن‌ها هم دلشان می‌خواهد مانند هم‌سن و سال‌های خود لباس بپوشند و تفریح کنند. پسرم اصرار دارد کار کند اما در این سن کم که هنوز توانایی تشخیص خوب از بد و درست از نادرست را ندارد اجازه کار کردن به او نمی‌دهم و دوست دارم درسی را بخواند. در تهران مخارج زندگی بالاست. زندگی در شهر پول و سرمایه می‌خواهد. همه نیروی جوانی‌ام را خرج کرده‌ام و توان چندانی در دست‌هایم نمانده است. از وضعیت جسمانی مطلوبی برخوردار نیستم. از طرفی سرمایه آنچنانی هم در اختیار ندارم. با وجود چنین شرایطی به دلیل هزینه‌های سنگین اجاره‌خانه و تورم و گرانی تصمیم



گرفتم به زادگاهم بازگردم و در آنجا به زندگی ام ادامه دهم.»

#### همسر از کارافتاده

زهر ۴۵ ساله است. او در سن ۱۵ سالگی ازدواج کرد. یک دختر ۱۵ و یک پسر ۱۲ ساله دارد و اصالتاً کرمانشاهی است. همسرش کارگر ساختمانی بود که سال ۱۳۹۲ از داربست افتاد و دچار ضایعه نخاعی شد و دیگر نتوانست کار کند. او هر روز صبح یک مسیر طولانی از محل زندگی‌اش که یک خانه اجاره‌ای در محدوده باقرشهر است را طی می‌کند تا به محل کارش در خیابان جمهوری برسد و زمانی که به خانه برمی‌گردد بایستی به امور مربوط به خانه و فرزندان‌ش رسیدگی کند.

زهر می‌گوید: «بعد از اینکه همسرم زمین گیر شد و دیگر نتوانست کار کند مهم‌ترین نگرانی‌ام تأمین هزینه‌ها و مخارج ریز و درشت زندگی بود. باید بعد از سال‌ها تکیه به یک مرد، روی پای خودم می‌ایستادم. بنابراین با پیشنهاد و کمک یکی از دوستان در یک تولیدی پوشاک مشغول به کار شدم. از آن زمان یک تنه بار سنگین تأمین هزینه‌های زندگی را به دوش می‌کشم. به‌خاطر نوع شغل و فعالیت‌م در تولیدی که اتوکاری و بسته‌بندی است ناچارم روزانه ۱۰ ساعت به‌صورت سربا بایستم و همین مسئله باعث شده دچار واریس پا و کمردرد شوم.»

این زن سخت‌کوش ادامه می‌دهد: «با وجود اینکه ۱۱ سال است در تولیدی کار می‌کنم اما پررنگ‌ترین دغدغه و نگرانی‌ام عدم امنیت شغلی است؛ چراکه هر سال تعدادی را تعدیل نیرو می‌کنند و این استرس و نگرانی همیشه همراه من است که اگر کارم را از دست دهم چگونه مخارج زندگی را تأمین کنم. از تصور آینده فرزندانم بعضی شب‌ها خوابم نمی‌برد. هرچند حقوقی که دریافت می‌کنم کفاف زندگی‌ام را نمی‌دهد اما همین که فعلاً به کسی محتاج نیستم راضی‌ام. خرج و مخارج سنگین زندگی از جمله اجاره‌نشینی، هزینه‌های مربوط به تحصیل فرزندانم، هزینه‌های درمان همسر و... بار مالی بسیار زیادی بر ما تحمیل کرده و سبب شده که به فکر شغل دوم باشم.»

زهر با جای اینکه دست روی دست بگذارد همت کرده و شغل

#### روانشناس بیمارستان شقای سمنان در گفت‌وگو با آتیه نو تشریح کرد

## تأثیر توانمندسازی در کاهش آسیب‌های زنان سرپرست خانوار

و مفید بودن، اعتمادبه‌نفس بالا و... را به همراه دارد، بیان می‌کند: «هرچقدر این زنان نسبت به مسائل و مشکلات خود پذیرش بالایی داشته باشند، به همان نسبت روان‌رنجوری پایین‌تری خواهند داشت. به‌عبارت دیگر زنان سرپرست خانوار با ویژگی‌های برون‌گرایی، پذیرا بودن و داشتن سطح آگاهی بالا با آسیب‌های روحی و روانی کمتری مواجه‌اند.»

به گفته این روانشناس زنان تحصیل‌کرده و توانمند راحت‌تر می‌توانند با تبعات و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کنار بیایند. در مقابل، زنان طبقه فرودست در اجتماع سنتی و کم‌برخوردار که احتمالاً تحت نظارت و کنترل اجتماعی بیشتری قرار دارند، این دوره از زندگی برایشان بسیار سخت‌تر می‌گذرد و کیفیت زندگی‌شان به‌طور چشمگیری افت می‌کند. این زنان که در مشاغل سخت یا دستمزد اندک به فعالیت می‌پردازند معمولاً با فداکاری به نفع اعضای خانواده، برای خود حقی قائل نمی‌شوند و لذتی هم از زندگی نمی‌برند.»

#### لزوم حمایت خانواده و جامعه

این روانشناس و مددکار با بیان اینکه زنان سرپرست خانوار نیازمند ترجم نیستند، بلکه به توجه و حمایت‌های اجتماعی نیاز دارند می‌گوید: «رفع مشکلات مربوط به اشتغال، درآمد، مسکن، ارائه خدمات مالی و دولتی، حمایت‌های همه‌جانبه و تشویق زنان سرپرست خانوار موفق و خوداشتغال، ایجاد پوشش‌های حمایتی و بیمه‌ای در افزایش سطح کیفیت زندگی آنان تأثیرگذار است و کمک شایانی به این گروه از افراد جامعه می‌کند.»

او می‌افزاید: «به‌منظور به حداقل رساندن آسیب‌های وارد شده

خانگی را برگزیده است. او با اندک پس‌اندازی که برای روز میبادا کنار گذاشته بود یک دستگاه سبزی خردکنی تهیه کرد تا از فروش محصولات خانگی کسب درآمد کند. او سبزی و پیاز سرخ شده، رب، ترشیجات و... را آماده‌سازی و بسته‌بندی می‌کند. تقریباً مشتری‌هایش ثابت و بیشتر دوستان، آشنایان و همسایگان هستند که با تماس بعضی از مشتریان سفارشات را آماده می‌کند و به آن‌ها تحویل می‌دهد.

او درباره سختی‌های کارش می‌گوید: «زحمت این کار بسیار و درآمزش اندک است اما به دلیل مخارج سنگین زندگی با وجود داشتن ارتروز گردن و کمردرد شدید مجبورم کار کنم. گاهی تا ساعت سه شب حتی تا اذان صبح کار می‌کنم، نماز می‌خوانم و به محل کارم می‌روم. شاید بیش از ۱۶-۱۵ ساعت مداوم کار کنم. درآمد خانگی‌ام بالا نیست، در حد یخچر و نمبر است. سعی می‌کنم لقمه‌ای نان حلال سر سفره بیاورم و دستم جلوی خلق خدا دراز نباشد. بیشتر حقوق دریافتی‌ام از کار در تولیدی، بابت اجاره‌خانه می‌رود.»

او با داشتن یک زندگی حداقلی هیچ گله و شکایتی از وضعیت کار و زندگی‌اش ندارد و می‌داند راه درازی در پیش دارد. هرچند روزگار را به سختی می‌گذرانم اما با وجود تمامی این مشقت‌ها، راه را در سعی، تلاش و کارکردن یافته و اضافه می‌کند: «کار کردن عار نیست، روزی حلال به دست می‌آورم روی پای خود ایستاده‌ام و تمام تلاشم را برای زندگی و موفقیت فرزندانم به کار می‌گیرم.»

همچنان به حرف‌های این بانوان مهربان و سخت‌کوشی که برای امرامعاش کار می‌کنند می‌اندیشم؛ شهامت می‌خواهد در گرما و سرما از قبل از طلوع آفتاب تا پاسی از شب به‌عنوان نان‌آور یا سرپرست خانواده کار کنی تا فرزندان و خانواده‌ات آرامش داشته باشند. این زنان با انگیزه، با اراده و توکل به خدا برای خودشان شغل و درآمدی دست‌وپا کرده‌اند. از خداوند برای این زنان دلیر سلامت و توانایی می‌خواهم که به جای کمک خواستن از دیگران به دست‌های خود ایمان داشته و روی پاهای خودشان ایستاده‌اند.

#### سیستم‌های حمایتی

بنابر گفته مدیر کل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی بر اساس داشبورد اطلاعات زنان سرپرست خانوار در پایگاه اطلاعات‌رفاه ایرانیان، حداقل ۶۰ درصد زنان سرپرست خانوار در گروه سنی بالای ۵۰سال قرار می‌گیرند. هم‌اکنون میانگین سنی زنان سرپرست خانوار تغییر یافته و به گروه سنی بالای ۵۵سال رسیده است. بنابر اعلام مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار در گزارشی مربوط به یازده زمانی ۹۰ تا ۹۸ آمده است که تعداد زنانی که خرج خود و خانواده تحت سرپرستیشان را تأمین می‌کردند از دو میلیون و ۷۷۲ هزار نفر در سال ۹۰ به سه میلیون و ۵۱۷ هزار نفر در سال ۹۸ رسیده است که حدود ۲۷ درصد افزایش داشته است. قانون‌گذار بایستی در اصلاحات ساختاری، با تصویب قوانین پژوهش شده و کارآمد، همچنین نهادهای دولتی به‌عنوان حامی، تسهیل‌گر کمک‌رسانی و تحت پوشش قرار دادن این زنان باشند. همین که قانون‌گذار و دولت بتوانند از این قشر حمایت کنند، در جهت رشد، بهبود و توسعه جامعه‌ای سالم، گامی مثبت و رو به جلو برداشته‌اند.

#### یادداشت

#### ناصر جمینی

فعال حوزه کارگری

#### زنان سرپرست خانوار

#### و احیای قوانین حمایتی

از لحاظ قانونی، سرپرست خانوار به کسی اطلاق می‌شود که تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی با اوست و مسئولیت اداره اقتصادی خانواده را برعهده دارد. امروزه زنان بسیاری هستند که به دلایل متعدد از جمله آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد، بزه، طلاق، از کار افتادگی، فوت همسر و... به‌تنهایی مسئولیت سنگین اداره مالی و معنوی خانواده را به دوش می‌کشند؛ به‌عبارتی آن‌ها افزون بر نقش‌های متداول یک زن در خانواده همچون تربیت فرزند و خانه‌داری متولی تأمین معاش خانوار تحت پوشش خود با حضور در جامعه و فعالیت شغلی هستند. تأمین حداقل شرایط زندگی و تأمین اجتماعی اقشار آسیب‌پذیر جامعه از جمله زنان سرپرست خانوار در حوزه‌های مختلف اعم از سیاست‌گذاری و ارائه قوانین و مقررات، خدمات حمایتی و اجتماعی، فعالیت‌های زیربنایی چون آموزش و ایجاد بسترهای اشتغال و کارآفرینی در حدی که امید به زندگی و امکان پیشرفت برای آن‌ها وجود داشته باشد، از جمله وظایف و سرفصل‌های کاری هر دولتی است و چنانچه به وظایف خود به شکل مطلوب عمل نکنند خلأهای قانونی به چشم می‌خورد.

در برنامه هفتم توسعه تأکید شده که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی به‌منظور توانمندسازی و حمایت از زنان سرپرست خانوار اقداماتی را انجام دهد. مطابق قانون، دولت مکلف است در راستای حمایت ملی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، خدماتی به آن‌ها ارائه دهد؛ چراکه توانمندسازی این قشر جامعه از جمله مؤلفه‌های مهم در توسعه پایدار است و آن‌ها بخش مهمی از شهروندان کشور را تشکیل می‌دهند. در این راستا توسعه توانمندسازی از موضوعات اولویت‌دار و محوری است و بایستی زمینه اشتغال افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی فراهم شود. همچنین لازم است با بررسی قوانین مدنی، اجرای قانون‌های مصوب و در اختیار گذاشتن رایگان امکانات و تسهیلات ویژه به این گونه افراد کمک شود.

تدوین و تصویب قوانین، آیین‌نامه‌ها و مصوبات قانونی متنوع که نشان از اهمیت این موضوع دارد صورت گرفته اما برای افزایش کارایی و بهره‌وری، این قوانین نیازمند احیا، اصلاح و پیکارچه‌سازی است؛ زیرا قوانینی که پیش از این تصویب شده و در زمان خود بهترین قانون بوده، مربوط به آن سال‌هاست و در حال حاضر به دلیل عدم احیا اثرگذاری خود را از دست داده است. در واقع گروه هدف هیچ نفعی از این قوانین نمی‌برند، پس این خلأ‌ها بایستی توسط قانون‌گذاران در مجلس اصلاح و قوانین موجود احیا شود. بنابراین ضرورت دارد نسبت به شرایط موجود جامعه در جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار، قانون‌گذار قوانین جدید را تصویب و به دولت ابلاغ کند و این برنامه‌ها و قوانین مصوب دائماً رصد و پایش شود. همچنین به‌منظور مواجهه‌نشدن با مشکلات مربوط به عدم اجرای مؤثر این قوانین، بایستی هیئت نظارت بر اجرا نیز وجود داشته باشد. تأمین مسکن برای زنان سرپرست خانوار خصوصاً خانواده‌های نیازمند، با توجه به هزینه بسیار هنگفت اجاره‌بها همواره بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکل به‌شمار می‌رود. بنابراین دولت بایستی با اعطای تسهیلات و امتیازات ویژه به خانواده‌های کم‌برخوردار قدمی مؤثر برای افزایش مؤلفه‌های امنیت این قشر بردارد. تأمین اشتغال و دستیابی به معیشت پایدار برای حمایت و حفظ خانواده از مهم‌ترین مسائلی است که زنان سرپرست خانوار با آن درگیر هستند؛ چون داشتن اشتغال پایدار و استقلال مالی در افزایش اعتمادبه‌نفس آنان بسیار حائز اهمیت است.

برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی و تأمین اشتغال همراه با بیمه، از جمله گام‌های عملی در رفع مشکلات زندگی آنان و تقویت عزت نفسشان است. در سال‌های اخیر ارگان‌هایی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی و وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه کارآفرینی و مهارت‌آموزی زنان سرپرست خانوار فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند که این طرح‌ها بایستی راهبردی، اثربخش و پاسخگوی نیازها باشد. به‌منظور اجرای این طرح‌ها به نحو احسن، لازم است نهادهای حمایتی داخل کشور با این قشر آسیب‌پذیر جامعه تعامل برقرار کرده، کسانی که مجری کار هستند دائماً با کسانی که در حال تدوین برنامه هستند در ارتباط باشند و از مخاطب هم بازخورد بگیرند و طرح‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند.